



تحلیل رابطه بین آموزش های مبتنی بر آموزه های دینی و مدارای اجتماعی

فائزه خسروی^۱، فاطمه طاهرپور^۲

^۱ کارشناسی ارشد، مدیریت آموزشی، دانشگاه بیرجند

faezeh.khosravi@birjand.ac.ir

۰۹۱۵۹۶۲۷۱۱۳

^۲ دکتری، مدیریت آموزشی، دانشگاه اصفهان

استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه بیرجند

f.taherpour@birjand.ac.ir

۰۹۱۳۲۲۱۶۱۱۸

چکیده:

امروزه حضور افراد و گروه های مختلف با اندیشه ها و افکار و اعتقادات متفاوت، در کنار هم و لزوم احترام به حقوق یکدیگر و داشتن زندگی مسالمت آمیز از حساسیت ویژه ای برخوردار است. مدارا از جمله موضوعات مهم اجتماعی، سیاسی و دینی است که در جامعه ما پژوهش های تجربی ناچیزی در مورد آن انجام شده است. هدف از پژوهش حاضر تحلیل رابطه بین آموزش های مبتنی بر آموزه های دینی و مدارای اجتماعی است. به این ترتیب ابتدا به واکاوی تعاریف مدارای اجتماعی و آموزه های دینی پرداخته شده است. سپس بررسی رابطه این دو عنصر با یکدیگر در پژوهش های پیشین مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش با روش علمی مروری انجام شده و برای گردآوری داده ها از منابع کتابخانه ای، پایگاه داده های الکترونیکی شامل، پایگاه اطلاعات علمی (SID)، پرتال جامع علوم انسانی، پایگاه مجلات تخصصی نور و google scholar استفاده شده است. نتایج نشان می دهد که آموزه های دینی با مدارای اجتماعی رابطه مثبتی دارند به گونه ای که آموزش آموزه های دینی سبب افزایش مدارای اجتماعی و همزیستی مسالمت آمیز انسان ها می شود؛ لذا نیاز مبرمی به تدوین اهداف آموزشی در مدارس، دانشگاه ها و رسانه ها در راستای آموزش آموزه های دین با رویکرد تقویت و بهبود مدارای اجتماعی وجود دارد.

واژگان کلیدی: مدارا، مدارای اجتماعی، آموزه های دینی

۱- مقدمه:

آموزش به عنوان یکی از مفاهیم اساسی در اجتماع، نقش مهمی در شکل گیری انسان ها و ارتقای سطح زندگی آنها ایفا می کند. از دیدگاه دین آموزش به عنوان یکی از مفاهیم اساسی دین، نقش بسیار مهمی در شکل گیری ارزش ها، اخلاقیات و رفتارهای اجتماعی دارد. بر اساس این دیدگاه، آموزش های مبتنی بر آموزه های دینی علاوه بر ارائه دانش فنی و علمی به تحکیم ارزش های اخلاقی و اجتماعی افراد و تقویت رفتارهای اجتماعی مثبت کمک می کند. موضوع همزیستی در تاریخ بشر، هیچگاه به گستردگی امروز محل بحث و مناقشه نبوده و این به آن دلیل است که انسان ها هرگز اهمیت تفاوت را چنین قابل لمس و گسترده، به صورت روبارویی هر روزه با دیگر بودگی تجربه نکرده بودند. با گسترش ارتباطات و تعاملات محلی، ملی و بین المللی، برگ نوینی از تاریخ ورق می خورد و مردمان سراسر دنیا، امکان تعامل پیوسته و گسترده با یکدیگر را پیدا می کنند. در این ارتباط افرادی با هویت های دینی، ملی و قومی مختلف، در تعامل نزدیک با هم قرار گرفته و با عرصه های نوین فرهنگی آشنا می شوند (هابر ماس^۱، ۱۳۷۹، ص ۱۵۸). با نظر به این امر که بیشتر جوامع از یک سنت دینی قوی برخوردار هستند، یکی از عواملی که می تواند در نهادینه کردن سنت مدارا در اجتماع نقش عمده ای ایفا کند، نحوه برخورد دین داران با تنوعات موجود در زندگی اجتماعی می باشد. در واقع دین، هنجارها و قواعدی را برای معتقدانش تجویز می کند که در اعمال و رفتار آنها در مناسبات روزانه و از جمله در مدارا با افرادی که مورد پذیرش فرد دین دار نیستند، تأثیر گذار است (آلپورت^۲، ۱۳۷۹،

¹ Habermas

² Allport



ص ۵۹). در این پژوهش با توجه به شرایط جوامع مختلف و تنوع فرهنگی، عقیدتی، سیاسی و همچنین اندیشه‌ها و رفتارهای متفاوت و از آنجایی که یکی از مهم‌ترین وجوه زندگی داشتن روابط اجتماعی به دور از نزاع و درگیری است و این موضوع در آموزه‌های ادیان مختلف مشهود است، به تحلیل رابطه بین آموزش آموزه‌های دینی و مدارای اجتماعی پرداخته می‌شود.

۲- مبانی نظری

۱-۲- مدارای اجتماعی

واژه‌های تساهل، تحمل، تسامح، رواداری و مدارا که در ادبیات امروز برابر واژه تولریشن^۱ به کار گرفته می‌شوند دارای تفاوت‌های معنایی هستند، اما اشتراک معنایی این واژگان در این کاربرد خاص باعث شده است تا این تفاوت‌ها چندین مورد توجه قرار نگیرند. واژه تولریشن از ریشه لاتینی تولرو^۲ به معنای تحمل کردن، اجازه دادن و ابقا کردن می‌باشد. این واژه با مصدر تولو^۳ با معنای حمل کردن و اجازه دادن هم‌خانواده می‌باشد؛ گویا کسی که تساهل می‌ورزد باری را تحمل یا حمل می‌کند (فتحعلی، ۱۳۷۸، ص ۱۱).

مدارا در نظم و نثر فارسی شایع بوده که به معنای رعایت کردن، صلح و آشتی نمودن، ملایمت، آرامی، آهستگی، نرمی نمودن، تحمل کردن، تسامح، بردباری و سازگاری نشان دادن می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۳).

پاک زمان قبی و نیازی (۱۴۰۰) به نقل از وگت^۴ (۱۹۹۷) مدارا، شامل یک تناقض درونی در پذیرش چیزهایی است که فرد آن‌ها را نمی‌پسندد یا با آن‌ها مخالف بوده و مدارای اجتماعی اشاره دارد به قبول ویژگی‌های انتسابی افراد در زمان تولد مانند: رنگ پوست و یا ویژگی‌های اکتسابی آنان در زمان جامعه پذیری اولیه مانند: زبان. مدارا عمل آگاهانه فرد یا سازمان در نظر گرفته می‌شود در خودداری از مخالفت و سرزنش یا ابراز خشونت علیه اعتقادات دیگری با وجود مخالفت فرد با آن اعتقادات (تامپسون^۵، ۲۰۰۲). تحمل و مدارا به معنی توجه به دیگران و یادگیری از آن‌ها، با ارزش شمردن تفاوت‌ها، پل زدن بر شکاف‌های فرهنگی، نپذیرفتن اندیشه‌های قالبی غیرمنصفانه، کشف زمینه‌های مشترک و تشکیل متحدان جدید است (لاینس^۶، ۲۰۰۴).

مدارا نوعی قابلیت و تعهد به شناخت، احترام و مشارکت کردن و گفت‌وگو و توافق با افرادی است که متفاوت هستند و این نوع نیروی سیاسی- اجتماعی شناخته می‌شود. مدارا یا مدارای اجتماعی به تقاضاهای هر یک از افراد جامعه برای برخورد خوب با دیگر افراد در محیط‌های اجتماعی و عمومی اشاره می‌کند که از طریق قبول تفاوت‌های افرادی که در جامعه زندگی می‌کنند به وجود می‌آید. مدارای اجتماعی نیازمند این است که همه افراد جامعه در کنار همدیگر با آسایش گام بردارند، بدون هرگونه ترس فیزیکی یا حمله هیجانی یا خشونت (شاتز^۷، ۲۰۰۴).

افرا (۱۴۰۰) مدارای اجتماعی عملی است که به افراد اجازه می‌دهد بدون خشونت و آزار، اعتقادات و خصوصیت‌های متفاوت دیگران را بپذیرند یا حتی از آن متنفر باشند. مدارا بر کاهش الزامات انتخاب انسانی برای داشتن ویژگی‌های شخصی و عقاید رفتارهایی که دیگران آن را دوست ندارند، تأکید می‌کند. مدارای اجتماعی و به طور خاص، مدارای رفتاری به منظور طرز تفکر، عمل و رفتاری که می‌تواند از هر فرد با میزان متفاوتی سر بزند، می‌توان به مثابه منش و عادت‌واره در افراد در نظر گرفت که بخشی از آن به مجموعه انگیزه‌های روانی فرد و بخش دیگر به جامعه پذیری فرد و قرارگرفتن در شرایط و موقعیت‌های معین شکل می‌گیرد و درونی می‌شود (فیروزجانیان، شارع‌پور، فرزام، ۱۳۹۵). مدارای دینی سهل‌گیری و تحمل مبتنی بر آموزه‌های دینی، در برابر باورها و رفتارهای مخالف دیگران، خصوصاً باورها و رفتارهای ادیان دیگر است (فتحعلی، ۱۳۷۸، ص ۶۶).

۲-۲- آموزه‌های دینی

مجموعه دستورات و الگوهای شایسته‌ای که دین ارائه می‌دهد تا افراد با استفاده از آن‌ها بتوانند سعادت را در دنیا و آخرت به دست آورند (دارابی‌نیا، فخار، محمدی لائینی، ۱۳۹۷ به نقل از کلانتری، ۲۰۰۴). بررسی آموزه‌های دینی می‌تواند ما را در رسیدن به علمی که مطلوب دین است راهنمایی

¹ Toleration

² Tolero

³ Tollo

⁴ Vogget

⁵ Thompson

⁶ Lyness

⁷ Schatz



کند. این آموزه‌ها دارای دو حوزه نظری و عملی ارزیابی‌اند. آموزه‌های نظری عمدتاً در قالب مبانی متافیزیکی علم تجربی در جریان حرکت علم اثرگذار بوده و آموزه‌های عملی عمدتاً در قالب امور انگیزشی به رشد علم کمک کرده است (صادقی و دانشور، ۱۳۹۸). آموزه‌های دینی معارف و تعلیم حیات‌بخش اسلامی می‌باشد که برای سعادت و سلامت انسان‌ها تشریح شده‌اند (صفورایی پاریزی و فارسی، ۱۳۸۴، ص ۸۷). در اصطلاح، تعلیم و فرامین حاصل از وحی و نقل است که برگرفته از آیات قرآن کریم، روایات و احادیث پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) و سایر ائمه اطهار (علیه‌السلام) می‌باشد (فانیدیور، ۱۳۹۸).

هدف از آموزش آموزه‌های دینی، حضور قرآن و سیره معصومین (علیه‌السلام) در تمام زندگی دانش‌آموزان می‌باشد. با تعلیم مسائل و مفاهیم دینی، با روش‌های شایسته و خاص می‌توان در دانش‌آموزان درک و شعور دینی را ایجاد و تعالی بخشید. اگر مبنای تلاش همه ما این باشد که از طریق روح حاکم بر تمامی برنامه‌های رسمی و غیررسمی، تربیت، تزکیه و تأدیب صورت گیرد و مفاهیم نظری به صورت رفتار دینی درآید، آنگاه می‌توان ادعا کرد که تربیت دینی تا حد زیادی تحقق پیدا کرده است (تربیتی‌نژاد، طباطبایی، امیری رومنان، ۱۴۰۱). روش‌های آموزش آموزه‌های دینی شامل استفاده از مثال‌ها، استفاده از داستان، روش یادآوری نعمات خداوند و روش نمایشی است و اصول آموزش آموزه‌های دین شامل: اصل سهولت، اصل تدریج، اصل مداومت و استمرار، اصل آگاهی‌بخشی و اصل تفاوت‌های فردی می‌باشد (تربیتی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۱).

۲-۳- آموزش آموزه‌های دینی

درباره آموزش آموزه‌های دینی به کودکان، نظریه‌های متفاوتی موجود می‌باشد. برخی بر این باورند که قبل از بلوغ، کودک نباید آموزش دینی ببیند، ولی برخی دیگر عکس این نظر را دارند. از دیدگاه اسلام، به‌ویژه بر اساس سیره و رهنمودهای ائمه (علیه‌السلام) آموزش مفاهیم دینی از زمان تولد شروع و آموزش در دوره کودکی پایه و اساس دوره‌های بعدی می‌باشد (مقدسی پور، ۱۳۹۶).

در پژوهشی که کاووسی، حبیبی، تاروتی (۱۳۹۶) با عنوان اهمیت نقش معلم در تربیت دینی دانش‌آموزان انجام دادند، دریافتند که هدف از آموزش تعلیمات دینی، تنها افزایش معلومات دینی کودکان نیست؛ بلکه دین‌داری است. در نتیجه برای آموزش تعلیمات دینی به کودکان، اولین چیزی که باید در نظر گرفته شود و نسبت به آن آگاهی پیدا کرد، شناخت روحیات و ویژگی‌های کودکان و همچنین شناخت مراحل رشد آنها می‌باشد. زالی‌زاده، باقری، ملتفت (۱۳۹۷) در بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر مدارای اجتماعی مردم مطالعه دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز به این نتیجه رسیدند که بین متغیرها، تنها دو متغیر دین‌داری خانواده و سبک اقتدارگراییانه با مدارای اجتماعی رابطه معنادار دارند و بقیه متغیرها یعنی سبک تربیتی سهل‌گیرانه و شبکه روابط اجتماعی خانواده با مدارای اجتماعی رابطه معنادار ندارند. خجسته مهر، داتلی بگی، عباس پور (۱۳۹۷) در آزمون مدل مدارا با رویکرد اسلامی در بافت زندگی زناشویی به این نتیجه رسیدند که مدارا با رویکرد اسلامی نقش تعیین‌کننده‌ای در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی ایفا می‌کند.

وجود گرایش ذاتی کودک به امور مذهبی، از اصلی‌ترین ویژگی‌هایی است که می‌تواند برای آموزش مفاهیم دینی به ما کمک کند. در حقیقت، اعتقاد به خدا و دین، از جمله اموری هستند که با ذات اولیه کودک، و یا به تعبیر قرآن، با فطرت او سازگار می‌باشد. در واقع کودکان، گرایش دینی و سرشت خداجویی دارند و مفاهیم دینی نیز اموری هستند که با سرشت کودک سازگار بوده و اکتسابی نیستند. آنچه که این گرایش‌های فطری را تقویت و باعث رشد و شکوفایی آن می‌شود، تعلیم و تربیتی است که معلم و والدین به کودک می‌دهند. در این باره، پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: هر طفلی با ذات و فطرت خداگونه به دنیا می‌آید و این والدین هستند که او را از این مسیر منحرف ساخته، نصرانی یا یهودی می‌سازند (مجلسی، ۱۳۸۰). مفاهیم و آموزه‌های دینی اگر در قالبی سهل و آسان، به کودک آموزش داده شود، زمینه‌های درونی و انگیزشی لازم را برای کودک فراهم می‌کند و او را به یادگیری مفاهیم و حقایق دینی علاقه‌مند می‌سازد (خباز ثابت، فراشبندی، شامرادی، جوکار، ۱۳۹۵).

آموزش مفاهیم دینی و به طور کلی تربیت، فرایندی است که در تمام طول عمر اتفاق می‌افتد؛ اما زمان بسیار مهم بوده و بهترین زمان تربیت، دوران خردسالی می‌باشد. در این دوره، کودک همانند خشت خام می‌باشد که هر نقشی را به خود می‌گیرد. از این رو، سفارش بسیاری برای تأدیب کودکان و آموزش آموزه‌های دینی در این دوره نقل شده است (تربیتی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۱). مرور منابع پژوهشی نشان می‌دهد که بحث آموزش مدارای اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های دینی علی‌رغم اهمیت بالای آن در آموزش و پرورش کشور ما کمتر مورد توجه قرار گرفته است.



۳- پیشینه پژوهش

۳-۱- آموزش آموزه‌های دینی و مدارای اجتماعی

آموزش و محتوای کتاب‌های درسی که در مدارس تدریس می‌شوند می‌توانند اخلاق آرام بودن و مدارا را به دانشجویان و دانش‌آموزان القا کنند و تربیت اخلاقی آنها را تسریع نمایند (کلپ^۱، ۲۰۱۶). در پژوهشی که محققان به بررسی عملکرد معلمان استرالیایی در آموزش ارزش‌های اخلاقی پرداختند، نشان دادند که مدارس به‌عنوان مؤسسه‌ای برای آماده‌سازی کودکان در جنبه‌های فرهنگی و اخلاقی زندگی در اجتماع به شمار می‌روند و آموزش اخلاقی و اجتماعی باید بخشی از برنامه‌های آموزشی مدارس در سطح ملی و بین‌المللی باشد، چراکه نحوه عملکرد جوانان در اجتماع به نحوی آموزش آنان در مدرسه بستگی دارد (جانسون^۲، ۲۰۱۵).

هرم^۳، ایگر^۴، بومن^۵، کانولی^۶ (۲۰۲۰) در بررسی رویکرد جدید برای مطالعه تساهل، مفهوم سازی و اندازه‌گیری پذیرش، احترام و تکریم، مفهوم‌بندی و ارزیابی جدیدی از تساهل و ابعاد آن را ارائه داده‌اند. پژوهشگران در گام نخست تساهل را نوعی جهت‌گیری ارزشی نسبت به تفاوت تلقی کردند و سپس با بررسی دو پیمایش ملی و فراملی یکی در کشور سوئد و دومی در استرالیا، دانمارک، انگلیس، سوئد و ایالات متحده و با کاربرد مدل‌های معادلات ساختاری نشان دادند که تساهل به عنوان مفهومی سه بعدی بهتر قابل درک است و این سه بعد عبارتند از: پذیرش، احترام و تکریم تفاوت. رایهانی^۷ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «خلق فرهنگ مدارا مذهبی در مدارس اندونزی» به این نتیجه دست یافت که دانش آموزان، سرمایه فرهنگی در خصوص تنوع مذهبی و مدارا را از طریق خانواده‌ها و اجتماع به دست می‌آورند. و این سرمایه آنها را مجهز می‌کند تا فرهنگ مدارا را در مدرسه با وجود سیاست غیر حمایتی و نامتجانس در مورد تنوع مذهبی، پدید آورند.

پاک زمان قمی و نیازی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «بازبینی رابطه دینداری و نامداراگری (مورد مطالعه: شهر کاشان)» به این نتایج دست یافتند که بین دینداری و مداراگری یک رابطه منفی و معنادار وجود دارد. با این حال، نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد با ملاحظه اثر تعاملی متغیر اقتدارگرایی، رابطه منفی مشاهده شده در تحلیل دو متغیر به یک رابطه مثبت تبدیل می‌گردد. نتیجه‌گیری نهایی این است که در مورد رابطه دینداری و نامداراگری، دین و دینداری فی نفسه مسئله نیست؛ بلکه مشکل با شیوه‌ای است که برخی از افراد دیندار دارا هستند. بنابراین دینداری ذاتاً منجر به نامداراگری نخواهد شد.

غفاری‌نیا و حاتم‌نیا (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «نقش سبک رهبری فضیلت‌گرا بر ایده‌های خلاقانه کارکنان ستادی آموزش و پرورش استان کردستان با میانجیگری نقش مدارای اجتماعی» با هدف بررسی تاثیر سبک رهبری فضیلت‌گرا بر ایده‌های خلاقانه کارکنان ستادی آموزش و پرورش استان کردستان با میانجیگری نقش مدارای اجتماعی انجام پذیرفته است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع همبستگی با مدل‌یابی معادلات ساختاری است و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه می‌باشد. جامعه پژوهش کارکنان ستادی آموزش و پرورش استان کردستان به تعداد ۲۸۴ نفر می‌باشند. نتایج پژوهش نشان داد که سبک فضیلت‌گرا و مولفه‌های آن بر ایده‌های خلاقانه کارکنان و مدارای اجتماعی تاثیر مثبت و معناداری دارد و همچنین مدارای اجتماعی بر ایده‌های خلاقانه تاثیر مثبت و معناداری داشته و نهایتاً تاثیر نقش میانجی مدارای اجتماعی بر رابطه بین رهبری فضیلت‌گرا و ایده‌های خلاقانه تاثیر مثبت و معنادار بود.

آموزش مهارت‌های اجتماعی با تاکید بر افزایش روابط بین فردی و گسترش مدارا، باعث کاهش رفتارهای پرخاشگرانه، استرس و طرد شدن می‌گردد (سادوک^۸، ۲۰۰۷). نتایج پژوهش مجیدی و عبدی (۱۳۹۸) نشان داد که آموزش آموزه‌های دینی باعث افزایش نمره کل سلامت روان دانش‌آموزان و کاهش نمرات آنان در مقیاس‌های اضطراب، افسردگی و اختلال در کارکرد اجتماعی شده است، ولی در مقیاس نگرانی از سلامت جسمانی، تفاوت معنادار نبوده است. آموزش آموزه‌های دینی دارای مراتب و مراحل بوده و این مراحل و مراتب به علت تفاوت در رشد استعدادها عاطفی، شناختی،

¹ kleppe

² Johnson

³ Hjrem

⁴ Eger

⁵ Bohman

⁶ Connolly

⁷ Raihani

⁸ Sadock



انگیزی و همچنین تفاوت در معلومات و تجربیات کودکان، به گونه‌ای است که نمی‌توان هر مطلبی را در هر مرحله‌ای آموزش داد؛ بلکه باید تناسب قدرت درک کودک و سطح تفکر او با مفاهیم دینی را در نظر گرفت (زارع، روزه، احمدی، ۱۳۹۸).

رضایی‌منش و پوربهره‌وزان (۱۳۹۷) در «طراحی الگوی سرمایه اجتماعی مبتنی بر تعالیم دینی» که با هدف طراحی الگویی از سرمایه اجتماعی مبتنی بر تعالیم دینی با استفاده از روش کیفی و با رویکرد استقرایی انجام شد به این نتیجه رسیدند که داده‌های پژوهش بیانگر سه مجموعه الزام است که باید در سه سطح فردی، شبکه‌ای و اجتماعی رعایت شود. با رعایت نکات هر سطح می‌توان به یک سرمایه اجتماعی منسجم و حداکثری دست یافت. در سطح فردی، هر شخص باید ظرفیت‌هایی را درون خویش به وجود آورد مانند خیرخواهی و ایثار؛ این دست ظرفیت‌ها به نگرش و ذهنیت فرد نسبت به جهان خارج مربوط می‌شود. در سطح شبکه‌ها باید تعاملات بین فردی سامان پیدا کند، مانند بخشندگی و دستگیری از نیازمندان. در سطح اجتماعی توصیه‌هایی برای مدیران و مسئولان وجود دارد که با رعایت آن می‌توان فضای کلی جامعه را سالم و حامی سرمایه اجتماعی کرد.

سراج زاده، شریعتی مزینانی، صابر (۱۳۸۳) در «بررسی رابطه میزان دین‌داری و انواع آن با مدارای اجتماعی» به این نتیجه رسیدند که تأثیر میزان دین‌داری بر ابعاد و مؤلفه‌های مختلف مدارا متفاوت است. هر چه افراد دین‌دارتر باشند، مدارای آنان نسبت به موضوعاتی مانند مسائل جنسی، جرم و ارتباط با غیرمسلمانان کمتر است؛ اما دین‌داری بر مدارای سیاسی، مدارای ملیتی و مدارای قومی تأثیر چندانی ندارد. در مجموع بر اساس یافته‌های این پژوهش نمی‌توان از رابطه یک بعدی بین دین‌داری و مدارا صحبت کرد، بلکه برای رسیدن به یک رابطه واقعی و دقیق درباره دین‌داری و مدارا لازم است هم ابعاد و موضوع مورد مدارا و هم نوع دین‌داری مشخص شود. همچنین در موضوعاتی که هنجارها و قواعد دینی مشخص و صریح هستند، مدارای دین‌داران نیز کمتر می‌شود. در مقایسه با سایر متغیرهای مورد بررسی نوع دین‌داری اصلی‌ترین متغیر برای تبیین تغییرات مدارای اجتماعی است.

مفتخری، بارانی، انطیقه‌چی (۱۳۹۱) در «مدارای دینی و مذهبی در عصر آل بویه» که با هدف روشن‌شدن رفتار حاکمان آل بویه با گروه‌های دینی و مذهبی در قلمروشان انجام پذیرفت، این نتیجه به دست آمد که مدارای دینی و مذهبی در میان حاکمان آل بویه به طور چشمگیری وجود داشته است؛ به گونه‌ای که ایشان با این که خود شیعه بوده‌اند، از افرادی با گرایش‌های دینی و مذهبی مختلف در بالاترین منصب‌های اجتماعی مانند وزارت و کتابت، فرماندهی سپاه و... استفاده می‌کردند. از طرف دیگر، امیران آل بویه فضای خوبی را برای نشر افکار و اندیشه‌های گروه‌های مختلف مذهبی فراهم کرده بودند تا آن‌ها به تدوین اصول فقهی و کلامی و فلسفی خود بپردازند و فضای فرهنگی جامعه را فعال و پرکار نگه دارند؛ لذا اینکه دولت آل بویه در برخورد با پیروان ادیان و مذاهب مختلف، یک حکومت متساهل بوده است، با شواهد تاریخی به اثبات رسید.

کارپف^۱ (۲۰۰۲) در «دین‌داری و مدارا در ایالات متحده و لهستان» به مقایسه تأثیر دین‌داری بر مدارا در این دو کشور می‌پردازد. در این تحقیق مدارا از طریق اعطای حقوقی مثل سخنرانی عمومی، تدریس در کالج‌ها و داشتن کتاب‌هایی در کتابخانه‌های عمومی درباره ملحدان، کمونیست‌ها، نظامی‌گرایان، نژادپرستان و همجنس‌بازان سنجیده شده است. دین‌داری نیز دارای چهار بعد: مشارکت دینی، التزام دینی، جهت‌گیری سیاسی و وابستگی مذهبی است. نتایج نشان می‌دهد که دین‌داری با ویژگی‌های عمومی آنان تأثیر منفی بسیار اندکی بر مدارا دارد. آنچه که رابطه دین‌داری با عدم مدارا را تشدید می‌کند، دین‌داری سیاسی است، به این ترتیب که دین‌دارانی که معتقدند کلیسا باید در قدرت سیاسی دخالت کند، کمتر اهل مدارا هستند.

فرهمند و درخشانی (۱۳۹۹) در «مطالعه مدارای دینی اهل تشیع و اهل تسنن شهر زاهدان و عوامل مؤثر بر آن» که با هدف بررسی مدارای دینی بین دو گروه شیعه و سنی شهر زاهدان و عوامل مؤثر بر آن است به این نتیجه می‌رسند که میانگین مدارای دینی ۶۲/۸ است که بر مبنای مقیاس صفر تا صد بالاتر از حد متوسط است. میانگین مدارای دینی پاسخگویان در ابعاد همزیستانه، خویش‌دارانه و نسبی‌گرایانه به ترتیب معادل ۶۴/۸، ۶۶/۴ و ۵۷/۴ بوده است. همچنین یافته‌ها بیانگر آن است که مدارای دینی با سرمایه اجتماعی و تعلق ملی رابطه مستقیم، و با قوم‌گرایی رابطه منفی دارد. نتایج تحلیل چند متغیر نیز نشان داد متغیرهای سرمایه اجتماعی، تعلق ملی، قوم‌گرایی و سن ۲۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند.

تمدنی (۱۳۸۵) در «رابطه نگرش دینی و همسازی اجتماعی دانشجویان» با هدف مطالعه رابطه نگرش دینی و همسازی اجتماعی با توجه به جنس و وضعیت تأهل دانشجویان به بررسی پرداخت. ابزار پژوهش مقیاس نگرش دینی و مقیاس همسازی اجتماعی بل بود. نتایج تحلیل همبستگی پیرسون و آزمون T نشان داد بین نگرش دینی و سازش‌یافتگی اجتماعی تنها در دختران رابطه منفی معنادار وجود دارد، و نگرش دینی دانشجویان دختر قوی‌تر از پسران بود، درحالی که در همسازی اجتماعی تفاوتی از لحاظ جنس به دست نیامد. نتایج رگرسیون حاکی از عدم پیش‌بینی سازش‌یافتگی اجتماعی بر اساس نگرش دینی و جنس بود. آزمون میانه تفاوتی بین نمره‌های دانشجویان متأهل و مجرد در میزان نگرش دینی و همسازی اجتماعی نشان نداد.

¹ Karpov



قاضی نژاد و اکبرنیا (۱۳۹۶) در «دین داری: مدارای اجتماعی یا فاصله اجتماعی (پیمایشی در میان مسلمانان و مسیحیان شهر تهران)» پژوهشی با هدف بررسی رابطه دین داری با فاصله اجتماعی در میان مسلمانان و مسیحیان شهر تهران با تأکید بر مدارای اجتماعی انجام دادند. چهارچوب نظری، برآیندی از نظریات دورکیم، رابرت و آلپورت است. جامعه آماری شامل مسلمانان و مسیحیان ۱۸ سال به بالای شهر تهران و روش پژوهش پیمایشی است. نتایج نشان داد که هر دو گروه دینی از میزان دین داری بالایی برخوردارند، مدارای اجتماعی آن‌ها در سطح متوسط روبه بالا است و هر دو گروه، از غیر هم‌دینان خود فاصله اجتماعی متوسط روبه پایین دارند. همچنین نتایج نشان داد تفاوتی میان میزان دین داری مدارا و فاصله اجتماعی میان دو گروه است؛ به طوری که مسلمانان در مقیاس دین داری، قوی تر از مسیحیان هستند. این در حالی است که مسیحیان مورد مطالعه، مدارای بیشتری با مسلمانان دارند و فاصله اجتماعی کمتری از آنان ابراز کرده‌اند.

۴- نتیجه گیری

در این مقاله به بررسی رابطه بین آموزه‌های دینی و مدارای اجتماعی پرداخته شد. بدین منظور در ابتدا به واکاوی تعاریف مدارای اجتماعی و آموزه‌های دینی پرداخته شد. مدارا، نوعی تناقض درونی در پذیرش مواردی است که افراد با آن مخالف هستند. مدارای اجتماعی عملی است که به افراد اجازه می‌دهد بدون خشونت و آزار اعتقادات و ویژگی‌های متفاوت افراد دیگر را بپذیرند. آموزه‌های دینی مجموعه فرامین و تعالیم شایسته‌ای است که دین ارائه می‌کند تا انسان‌ها بتوانند در کنار هم به سعادت دنیا و آخرت نائل آیند. با بررسی نتایج پژوهش‌های قبلی انجام شده در این دو زمینه، به این نتیجه رسیدیم که آموزه‌های دینی رابطه مثبت و معناداری با مدارای اجتماعی و ارتقای آن دارد و سبب همزیستی مسالمت‌آمیز افراد در کنار هم می‌شود. در جوامع مختلف با وجود تنوع‌های قومی، فرهنگی، سیاسی، اعتقادی و دینی متفاوت، آموزش آموزه‌های دینی می‌تواند سبب افزایش مدارای اجتماعی بین افراد مختلف شود.

۵- پیشنهادات

در پایان پیشنهاد می‌شود در آموزش آموزه‌های دینی در مدارس و دانشگاه‌ها توجه ویژه‌ای به بحث مدارا نشان داده شود، چراکه یکی از اصلی‌ترین ارکان تقویت مدارا به‌خصوص در جوامع دین‌محور، آموزش آن از طریق تعالیم دینی است. همچنین پیشنهاد می‌گردد بر روی رابطه انواع دین داری با مدارا و نیز رابطه آموزه‌های دینی بر هریک از ابعاد مدارا پژوهش‌های بیشتری انجام شود تا در تبیین نقشه راهی برای تقویت مدارا با کمک آموزه‌های دینی کمک‌کننده باشد. در سطح اجتماع و جامعه به مدیران و مسئولان توصیه می‌شود که با آموزش بیشتر مدارای اجتماعی برگرفته از آموزه‌های دینی می‌توان به فضای سالم و بدون تنش در جامعه کمک فراوانی کرد.

منابع

- آلپورت، گوردون. (۱۳۷۹). دین و تعصب. (ترجمه نازنین شاه‌رکنی). انتشارات کیان
- افرا، هادی. (۱۴۰۰). مدارای اجتماعی در جامعه فردگرا، مطالعه تأثیر فردگرایی بر مدارای اجتماعی جوانان در شهر بجنورد. **برنامه تحقیقات فرهنگی ایران**. شماره ۱، دوره ۱۵، ۴۳-۵۸.
- پاک زمان قمی، محمدمامین و نیازی، محسن. (۱۴۰۰). بازبینی رابطه دین داری و نامداراگری (مورد مطالعه: شهر کاشان). **اسلام و مطالعات اجتماعی**. شماره ۲، دوره ۹، ۱۵۵-۱۸۵.
- تربتی نژاد، حسین، طباطبایی، مریم سادات، امیری رومنان، مهسا. (۱۴۰۱). بررسی روش‌های آموزش آموزه‌های دینی در مقطع ابتدایی. **پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی**. شماره ۳، دوره ۲، ۸۳-۹۸.
- تمدنی، مجتبی. (۱۳۸۵). رابطه نگرش دینی و همسازی اجتماعی دانشجویان. **روان‌شناسی تحولی (روان‌شناسان ایرانی)**. شماره ۸، دوره ۲، ۳۴۰-۳۳۱.
- خبازناب، سرور، فراشبندی، رضا، شامرادی، نسیم، جوکار، لیلا. (۱۳۹۵). بررسی اثربخشی آموزش آموزه‌های قرآنی بر تربیت‌پذیری دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان بوشهر. **همایش دانشگاه آزاد اسلامی**.



- خجسته مهر، رضا، داتلی بگی، مژگان، عباس پور، ذبیح اله. (۱۳۹۷). آزمون مدل مدارا با رویکرد اسلامی در بافت زندگی ناشویی. **روان شناسی خانواده. شماره ۱، دوره ۵، ۵۷-۷۰.**
- دارابی نیا، مرتضی، فخار، مهدی، محمدی لائینی، محمدباقر. (۱۳۹۷). بررسی مرجع شناخت آموزه های دینی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران. **دین و سلامت. شماره ۱، دوره ۶، ۳۷-۴۵.**
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا. انتشارات دانشگاه تهران
- رضایی منش، بهروز، پور بهروزان، علی. (۱۳۹۷). طراحی الگوی سرمایه اجتماعی مبتنی بر تعالیم دینی. **مدیریت اسلامی. شماره ۳، دوره ۲۶، ۸۷-۱۰۳.**
- زارع، بهنام، روزه، فرشاد، احمدی، عسکر. (۱۳۹۸). آموزش دینی برای دانش آموزان دوره ابتدایی. **کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی، مطالعات اجتماعی و روان شناسی ایران.**
- زالی زاده، مسعود، باقری، معصومه، ملتفت، حسین. (۱۳۹۷). بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر مدارای اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز). **جامعه شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان). شماره ۲، دوره ۲۹، ۱۲۹-۱۴۶.**
- سراج زاده، سید حسین، شریعتی مزینانی، سارا، صابر، سیروس. (۱۳۸۳). بررسی رابطه میزان دین داری و انواع آن با مدارای اجتماعی. **علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد. شماره ۴، دوره ۱.**
- صادقی، سید یاسر، دانشور، یوسف. (۱۳۹۸). نقش آموزه های دینی در رشد علم تجربی. **معرفت کلامی. شماره ۱، دوره ۱۰، ۱۴۳-۱۵۷.**
- صفورایی پاریزی، محمدمهدی، فارسی، سلیمان. (۱۳۸۴). آموزه های دینی و نقش آنها در پیشگیری از آسیب های روانی. **نشریه معرفت. شماره ۸۷، ۱۶-۳۳.**
- غفاری نیا، رضا، حاتم نیا، زهرا. (۱۴۰۲). نقش سبک رهبری فضیلتگرا بر ایده های خلاقانه کارکنان ستادی آموزش و پرورش استان کردستان با میانجیگری نقش مدارای اجتماعی. **مجله پیشرفت های نوین در روان شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش. شماره ۶۸، ۳۳-۴۵.**
- فانید پور، حسن. (۱۳۹۸). تدوین و اعتباریابی الگوی طراحی آموزشی مبتنی بر آموزه های دینی در مقطع عمومی حوزه های علمیه خاوران. رساله دکتری رشته تکنولوژی آموزشی. دانشگاه علامه طباطبائی.
- فتحعلی، محمود. (۱۳۷۸). تساهل و تسامح اخلاقی، دینی، سیاسی. قم: مؤسسه فرهنگی طه
- فرهمند، مهناز، درخشانی، میلاد. (۱۳۹۹). مطالعه مدارای دینی اهل تشیع و اهل تسنن شهر زاهدان و عوامل مؤثر بر آن. **مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. شماره ۱، دوره ۹.**
- فیروز جانیان، علی اصغر، شارع پور، محمود، فرزام، نازنین. (۱۳۹۵). بررسی جامعه شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی بر ارتباطات بین فردی با تأکید بر مدارای اجتماعی. **مطالعات فرهنگ - ارتباطات. شماره ۳۵، دوره ۱۷، ۷-۳۱.**
- قاضی نژاد، مریم، اکبرنیا، الهه سادات. (۱۳۹۶). دین داری: مدارای اجتماعی یا فاصله اجتماعی (پیمایشی در میان مسلمانان و مسیحیان شهر تهران). **مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. شماره ۱، دوره ۶، ۲۱-۴۰.**
- کاووسی، عصمت، حبیبی، مریم، تاروتی، فاطمه. (۱۳۹۶). اهمیت نقش معلم در تربیت دینی دانش آموزان. **مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی و روان شناسی ایران. شماره ۹، دوره ۳، ۴۱-۹۱.**
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۰). وسائل الشیعه. انتشارات دارالمعارف للمطبوعات، جلد ۱۵
- مجیدی، عابد، عبدی، منصور. (۱۳۹۸). تأثیر آموزش آموزه های دینی بر سلامت روان دانش آموزان. تهران: کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی.
- مفتخری، حسین، بارانی، محمدرضا، انطیقه چی، ناصر. (۱۳۹۱). مدارای دینی و مذهبی در عصر آل بویه. **تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. شماره ۶، دوره ۳، ۹۷-۱۰۰.**
- مقدسی پور، علی. (۱۳۹۶). اصول و روش های آموزش مفاهیم دینی به کودکان دبستانی. پایان نامه کارشناسی ارشد. رشته علوم تربیتی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- هابر ماس، یورگن. (۱۳۷۹). کنش ارتباطی: بدیل خشونت. (ترجمه ابراهیم سلطانی). انتشارات کیان



- Johnson AE. (2015). *Examining the relation between ethnic identity and competence among Latino early adolescents*. [Ph.D. Thesis]. USA: Texas State University.
- Hjerm, M., Eger, M. Bohman, A., and Connolly, F. F. (2020), *A New Approach to the Study of Tolerance: Conceptualizing and Measuring Acceptance, Respect, and Appreciation of Difference*, Social Indicators Research, No. 147: 897–919
- Karpov, V. (2002). *Religiosity and tolerance in the United States and Poland*. Journal for the Scientific Study of Religion, 41(2), 267-288
- Kleppe LC, Heggen K, Engebretsen E. (2016). *Nursing textbooks' conceptualization of nurses' responsibilities related to the ideal of a holistic view of the patient: A critical analysis*. Journal of Nursing Education and Practice; 6(3): 106-115.
- Lyness, D. (2006). *Teaching Your Child Tolerance*.: <http://www.kidshealth.org/essay/Tolerance.html>
- Sadock, B.J. & Sadock, V.A. (2007). *Synopsis of Psychiatry Bahavioural Science (10th ed.)*. Lippincott Williams & Wilkins.
- Raihani R. (2014). *Creating a culture of religious tolerance in an Indonesian school*. South East Asia Research, 22(4), 541–560.
- Schatz, M. C. (2004). *Social tolerance and social civility: Key elements for transitioning democratic countries*. Journal of International & Comparative Social Welfare, 20(1), 23-31.
- Thompson, D. (2002). *Power and distaste: Tolerance and its limitations*. In Staff seminar